

هنر دینی، مهمترین پشتوانه تمدن بشری

نصرت ایسانوویچ

ابراهیم کارازاویچ

همزمان با برگزاری کنفرانس بوسنی هرزه گوین و چشم انداز آینده آن که در شهریور ماه سالجاری در دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت امور خارجه برگزار شد گفتگویی داشتیم با دو تن از شرکت کنندگان در کنفرانس بنامهای "استاد نصرت ایسانوویچ" رئیس دانشکده اسلامی "زنیت" و مدرس "تاریخ تمدن اسلامی" و استاد "ابراهیم کارازاویچ" مدرس "تاریخ هنر" که توجه خوانندگان عزیز را به متن این دو مصاحبه کوتاه جلب می کنیم.

حضور: یکی از رویدادهای مهم انقلاب اسلامی ایران این بود که رهبری نهضت به دنبال عدم امکان استقرار در کشورهای منطقه تصمیم گرفتند از پاریس انقلاب ایران را هدایت کنند. در آن زمان، زندگی ساده، زهد و نفوذ معنوی امام، حتی مردم و رسانه های گروهی غرب را به شدت تحت تاثیر قرار داده بود، و از آن پس، انقلاب اسلامی و شخصیت رهبری آن همواره کانون توجه غرب بوده است. شما به عنوان یک صاحب نظر در مسائل هنری و فرهنگی غرب، چه تصویری از شخصیت و اندیشه های امام خمینی (س) دارید.

کارازاویچ: بسم الله الرحمن الرحيم متأسفانه من تا قبل از پیروزی از جنبش و حرکت امام خمینی اطلاعی نداشتیم. در واقع پس از پیروزی انقلاب، این مخالفت غرب و تبلیغات رسانه های غربی علیه انقلاب ایران بود که ما را به حقانیت انقلاب ایران و شخصیت انقلابی و سازش ناپذیر رهبری آن دلالت نمود. حضرت امام مردی بسیار قدرتمند و دانشمندی صاحب نظر و متفکر بزرگی است که در جهان اسلام ظاهر شد و مسلمانان را به راه خدا و برپایی حکومت اسلامی و وحدت کلمه دعوت کرد، و در ایران حکومت اسلامی بنیان نهاد. بعد از اینها بود که ما متوجه شدیم آرمانهای این مرد بزرگ، یک ارزش در سطح جهان است.

حضور: بدون تردید یکی از آرمانهای والای امام خمینی که خود از منادیان حق بودند و همیشه انسان معاصر را به حق دعوت می فرمودند، تربیت و خودسازی انسان معاصر به گونه ای بود که مورد عنایت و توجه ویژه حضرت حق قرار گیرد. و از سوی دیگر، این آرمان، نقطه تکوین و عزیمت هنر اسلامی نیز بوده است. هنر اسلامی همواره عرصه تجلی قدسی است. به نظر شما دستاورد معنوی هنرهای دینی چگونه می تواند خلاء معنوی زندگی بشر امروزی را جبران کند و راه توجه حق و بازگشت حق به زندگی انسان معاصر را هموار نماید.

کارازاویچ: به نظر من هنر دینی، یکی از مهمترین پشتوانه های تمدن بشری است. انسانیت - در عمیق ترین وجه خود در هنر دینی ظاهر می شود. و همچنین والاترین ارزشها و آرمان های بشری، که همان حس حقیقت جویی، و غایتمندی است در این هنرها ظهور می کند. حتی می توانم بگویم که بزرگترین هنرمندان و معماران زیباترین مساجد و سایر آثار و بناهای با ارزش هنری، در آفرینش آن آثار، به بازتاب همین بعد قدسی و تجلیات الهی روان خود نظر داشته اند. هنر یکی از مهم ترین راههای رسیدن انسان به هویت انسانی است. تا قبل از ورود اسلام به اروپا، آئین مردم بوسنی کیش مانویت (آتش پرستی) بود. خود ایرانیان نیز قبل از اسلام بدین آئین بودند. بدین ترتیب، پیشینه پیوند فرهنگی مردم ما با ایران بسیار قدیمی و عمیق است، و در میان این دو ملت تبادل فرهنگی از غنای قابل ملاحظه ای برخوردار است. فرهنگ ما همواره مورد تهاجم دشمنان کاتولیک غرب و ارتدوکس های شرق واقع می شده، ولی ما هویت خود را هم چنان حفظ کردیم و از تبادل فرهنگی با دنیای اسلام غافل نشدیم. تا قبل از قرن حاضر، یعنی در قرن نوزدهم میلادی، در تمام مدرسه های ما، بطور موازی، زبانهای عربی، فارسی و ترکی تدریس می شد. هم اکنون کسی رامی شناسم که کتاب گلستان سعدی شیرازی را به زبان بوسنیایی ترجمه کرده است. این تنها بخشی از همکاری و پیوستگی فرهنگی با فرهنگ ایرانی است که امیدوارم به نزدیکی بیشتر دو ملت منجر شود. من در

رشته اختصاصی خودم، یعنی تاریخ هنر، همیشه سعی می‌کنم دانشجویان را با غنای هنر اسلامی، و عمق تاریخ هنر اسلام و به خصوص هنر ایران آشنا بکنم. ولی متأسفانه، منابع بسیار اندکی از کتابهای مربوط به تاریخ هنر ایران در دسترس ما قرار دارد و همواره غلبه با منابع غربی است که با سلیقه‌ها و اغراض خاص مولفان غربی تألیف شده‌اند.

متأسفانه، ما هم در گذشته نتوانستیم این کمبود را جبران کنیم. در زمان کمونیستها، چون رژیم‌های کمونیستی معارض فرهنگ دینی بودند، بیشتر منابع غربی را در دسترس ما قرار می‌دادند. و از جانب کشورهای اسلامی، هیچ کتابی به دست ما نمی‌رسید. ولی در برنامه‌های آینده ما، در تالیفاتی که قرار است انجام بدهیم، پرداختن به هنر اسلامی و بررسی و تحلیل ساختارهای هنری اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. ما می‌خواهیم دانشجویان ما آشنایی هر چه بیشتری با هنر اسلامی داشته باشند. و فکر می‌کنم حضورم در ایران، باعث شده تا ضرورت این کار را بیشتر احساس کنم. ما حدود ده روز است که در تهران به سر می‌بریم، و همچنین قصد داریم به چند شهر دیگر ایران نیز سفر کنیم. من از آمدنم به اینجا بسیار خوشنودم. تهران شهری است پاکیزه و مدرن، و معماری آن نیز که ترکیبی از معماری سنتی با معماری مدرن است، تجزیه بسیار ارزشمندی در معماری شهری است. ملت ایران ملتی بزرگ است و من به موفقیت این ملت بسیار خوشبینم.

حضور: می‌خواستیم اضافه کنم که هنر ما بعد از انقلاب رویکرد تازه‌ای دارد و این ملهم از اندیشه‌های حضرت امام است که انسان را به تزکیه دعوت می‌کند و عقیده دارند که انسان از طریق تزکیه و خودسازی می‌تواند هواهای نفسانی خود را از درون مهار کند، و از سوی دیگر هنر اسلامی را به مبارزه با غاصبان و ستمگران برانگیختند. بنابراین حضرت امام که علاوه بر ابعاد فقهی، سیاسی و رهبری، دارای منزلت ویژه‌ای در شاعری هستند، و اخیراً دیوانی از اشعار عرفانی حضرت امام منتشر شده که مویذ این منزلت ایشان در شاعری است، هنر معاصر را به دو بعد عمده سوق دادند: یکی بعد معنوی، یعنی سازندگی انسان از درون و دیگری بعد عینی یعنی پیکار با ظلم و ستم و پلشتی. نظر شما در این باره چیست؟

کارازاوایچ: من فکر می‌کنم سرچشمه طبیعی همه هنرها یکی است و همه هنرها ریشه در خواسته‌های معنوی و الهی بشر دارند. امام خمینی، در حقیقت، با فراهم آوردن شرایط مناسب، هنرمندان معاصر را به همین آبشخور فراخواندند. و همه هنرمندان توانستند از این سرچشمه سیراب شوند. تنها هنرمندانی می‌توانند هنر الهی را در آثارشان منعکس کنند، که در این دو بعد، یعنی خودسازی معنوی، و تلاش در جهت پیکار با ظلم و ستم پیش رفته باشند. در غیر این صورت، اگر تحت تأثیر بت‌ها و الگوهای دیگری قرار گیرند هنرشان، هنری دروغین و غیر انسانی خواهد بود.

حضور: از شما تشکر می‌کنیم.

حضور: میزان آشنایی شما با حضرت امام خمینی و اندیشه‌های ایشان تا چه اندازه است؟

ایسانووایچ: وقوع انقلاب اسلامی، همزمان با دوران دانشجویی من بود. خوب به یاد دارم که در آن زمان چقدر در پی کسب اطلاعات و آگاهی از حوادث انقلاب ایران، و شخصیت و اندیشه‌های رهبری آن بودیم. از روی اطلاعات و اخباری که به مامی رسید، من دریافته بودم که امام خمینی در نظر دارند کشور ایران را بکلی دگرگون نمایند و در آنجا حکومتی بر اساس قوانین اسلامی بنیان گذارند. هنگامی که، این اخبار و اطلاعات در سرزمین ما انعکاس می‌یافت، و ما جوانان بوسنیایی در آن اخبار و همچنین اندیشه‌های امام خمینی تأمل کردیم. از این رویداد یعنی انقلاب اسلامی مردم ایران و اندیشه‌های امام خمینی بسیار شادمان شدیم. امام خمینی بدون تردید یکی از برجسته‌ترین رهبران و متفکران قرن ماست و این برای ما بسیار با اهمیت است.

حضور: به عقیده شما عصر آینده به کدام سو حرکت می‌کند؟ جایگاه مذهب در دنیای آینده کجاست؟ آیا در دنیای آینده نقش اساسی از آن دین خواهد بود یا این که شما مقصد دیگری در جهت گیری‌های جهانی کنونی مشاهده می‌کنید؟

ایسانووایچ: چنانکه می‌دانیم بسیاری از تحلیل‌گران جهانی و حتی برخی از متفکران بزرگ غربی اعتقاد دارند که تمدن غربی در بحران بزرگ به سر می‌برد و این بحران همچنان در حال گسترش است، به طوری که دامنه آن، اکنون تمامی ارکان، و نهادها، و حتی زندگی

اجتماعی انسان غربی را فراگرفته است. به عقیده من، در حال حاضر که تمدن غربی با چنین بحرانی روبرو شده است، هیچ راه بازگشتی، جز آنچه اسلام در برابر آن قرار می دهد، ندارد. اگر ما مسلمانان بتوانیم اصول، مبانی و الگوهای اسلام را به زبانی قابل فهم غربی ها، بیان کنیم. حتما طرفداران اسلام روز به روز بیشتر خواهند شد.

حضور: در نگاهی اجمالی به وضعیت کشورهای اسلامی، مشاهده می کنیم که بسیاری از مشکلات کنونی ملت‌های مسلمان، از گسستگی های موجود میان این کشورها ناشی می شود. ریشه های این جداسری ها هر چه باشد، از آنجایی که این تفرقه با منافع قدرتهای جهانی سازگار است، همواره توسط این قدرتها گسترش می یابد. حال آنکه مسلم است این کشورهایی توانند با اتخاذ تصمیم هایی مشترک بسیاری از موانع و مشکلات موجود را از میان برداشته و مقدمات وحدت اسلامی را که همواره مورد تاکید حضرت امام خمینی (س) بوده است، فراهم سازند. شما درباره وحدت اسلامی و شیوه های بوجود آمدن آن، و از بین رفتن تفرقه میان مسلمین چه تحلیلی دارید و اصولا چه راههایی برای ایجاد وحدت پیشنهاد می کنید؟

ایسانوویچ: چنان که قبلا متذکر شدم جهان غرب، امروز، در بحران شدیدی به سر می برد، اما از طرف دیگر جهان اسلام هم با بحران روبروست. ما شاهدیم که بسیاری از رهبران کشورهای اسلامی با اعراض از شریعت اسلامی، یا به ایدئولوژی هایی متأثر از جهان بینی غربی، همچون ناسیونالیسم روی آورده اند و یا آنکه قیومیت بیگانگان را بر سرزمین خود پذیرفته اند. و تا وقتی هم که این وضع تغییر نکند، ایجاد وحدت، برآستی دشوار است. به نظر من اولین گام در از میان برداشتن موانع موجود بر سر ایجاد وحدت اسلامی، استقرار ایدئولوژی اسلامی در این سرزمینهاست. تمام مردم، خصوصا سران کشورهای اسلامی باید خود را ملزم به اجرای احکام اسلام بدانند، و از مسامحه در این راه پرهیز کنند. در صورتی که اگر چنین نکنند. ما در جهان اسلام، همزمان چندین حکومت مدعی اسلام با ایدئولوژیها و دستورالعمل های بر ساخته ای روبرو خواهیم بود که هیچ شباهتی به یکدیگر و هیچ ارتباطی با شریعت اسلامی نخواهند داشت. رسول اکرم (ص) فرمودند در همه کارها کلمه خدا باید برتر از تمامی کلمات خلق باشد، اگر چنین شد به یقین همه چیز حل خواهد شد.

متأسفانه هنوز تمامی دانشمندان و متفکران کشورهای اسلامی به عمق مفهوم وحدت پی نبرده اند و ضرورت آن را احساس نکرده اند. بعضی از شرکت کنندگان کنفرانس وحدت اسلامی پیشنهاد کردند که در کشورهای مختلف نشریات، گروهها و مراکز مشترکی تشکیل دهیم تا بلکه بتوانیم از این راه، برخی از مشکلات موجود را از میان برداریم.

متأسفانه هنوز ما در شرایطی نیستیم که همه دانشمندی که دیدگاههای اسلامی دارند بتوانند در کشورهایی نظیر عربستان سعودی، عراق، مصر، سوریه، اردن و یا سایر کشورهای عربی به راحتی نظرات خود را بیان کنند، و این دانشمندان حتی اگر هم لزوم وحدت را احساس کرده باشند فرصتی برای طرح آن پیدا نکرده اند.